

در راهروی دادگاه خانواده

تلاطم یک زندگی با پیامک های ناشناس

صدیقی- از پنهان کاری همسرم خسته شده ام و دیگر نمی توانم با این وضعیت با او زندگی کنم. پیامک های عجیب و غریب و ناشناسی به گوشی همسر ارسال می شد و این ماجرا مرا خیلی آزار می داد. دختر نگران بعد از کمی سکوت در راهروی دادگاه خانواده ادامه می دهد: پنهان کاری شوهرم مثل خوره از درون مرا می خورد. مدام افکارم پریشان بود که همسرم با چه کسانی رابطه دارد و این پیامک های ناشناس برای چه ار سال می شوند؟

هر وقت با شوهرم حرف می زدم او با بی اعتنائی پاسخم را می داد و این موضوع بیشتر من را اذیت می کرد و طاقتم را طاق کرده بود. نزدیک به سه سال بود که ازدواج کرده بودم، او بازاریاب بود و به خاطر حرفه اش با آدم های مختلف سر و کار داشت. به خاطر تلفن های عجیب و غریب و همچنین پیامک های ناشناس به او شک داشتم. دوستم مشکلی مشابه من داشت و بعد از مدتی متوجه شد شوهرش با چند نفر رابطه دارد و به او خیانت کرده است، برای همین می ترسیدم و تلاش می کردم شوهرم را کنترل کنم تا به سرنوشت او دچار نشوم. هر بار که بحث تلفن و پیامک های ناشناس را پیش می کشیدم شوهرم داد و بیداد می کرد و می گفت فقط مربوط به کارش است و چیزی در میان نیست. این ماجرا ادامه داشت تا این که یک روز فهمیدم اصلا شوهرم سر کار نمی رود و مدت هاست بیکار شده و از من پنهان کرده است. وقتی متوجه این موضوع شدم بیشتر به او شک کردم و با خود گفتم اگر او بیکار بوده پس این همه تلفن و پیامک برای چیست؟ از همه مهم تر این که در این مدت روزها کجا می رفت؟ این سوالات خیلی من را آزار می داد.

شوهرم بالاخره بعد از مدتی اعتراف کرد که به دلیل اعتیادش از کار بیکار شده است و به خاطر ترس از عکس العمل من روزها را در خانه خواهرش یا مادرش سپری می کرد و خرج زندگی مان را از آن ها قرض می گرفت و تلفن های ناشناس به خاطر جست و جو برای پیدا کردن کار بود. بعد از شنیدن این جملات بیشتر به شوهرم مشکوک شدم زیرا می ترسیدم باز چیزی را از من پنهان کرده باشد و به من دروغ بگوید و چون نمی توانستم از او حرف بکشم تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده ببایم تا از این طریق او را تحت فشار قرار دهم تا اگر مسائل پنهانی دیگر باقی مانده است همه را بازگو کند تا تصمیم خودم را درباره ادامه زندگی یا ترک او بگیرم.

صدیقی

سن و سال زیادی نداشت که با مواد آشنا شد و بعد از آن در منجلاب افیون گیر افتاد. با وجود سن کمش از زباله گردی و جمع آوری ضایعات گرفته تا گدایی کردن و پیچاندن مدیران مدرسه و طبق گفته خودش سابقه بیش از ۳۰ بار دستگیری را در پرونده اش به ثبت رسانده است. یک اپیش مشکل داشت و از این موضوع برای برانگیختن حس ترحم مردم استفاده می کرد و از آن ها پول می گرفت. پسر جوان که خود را گرگ باران دیده خطاب می کند، می گوید: اعتیادم از سکنه ناقص ام شروع و در این ماجرا یک پایم لنگ شد. بعد از این اتفاق پسر دایی ام به خاطر دردی که داشتم از من خواست روزانه چند دود مواد مصرف کنم تا دردم تسکین یابد. همین چند دود گرفتن زیر دندانم مزه کرد و در دام اعتیاد سنتی افتادم. وضعیت مالی مان نامناسب بود برای همین یک شیفت در کارواش کار می کردم و شیفت دیگر به مدرسه می رفتم. مدتی از اعتیادم به تریاک گذشت تا این که زن دایی ام به خاطر کینه ای که از مادرم به دل گرفته بود من را با شیشه آشنا و به نوعی با آن آینده ام را نابود کرد. قضیه کینه زن دایی ام از این قرار بود که او به همراه تعدادی از همسایه ها و مادرم یک قرعه کشی خانگی راه انداخته بودند و به دلیل عدم تعهد زن دایی ام در بازپرداخت وام مادرم سفته او را اجرا گذاشت. همین ماجرا آتش زیر خاکستر شد و کینه زن دایی ام از مادرم زندگی من را سوزاند. بعد از اعتیاد به شیشه زنگ تفریح در سرویس بهداشتی مدرسه با روشن کردن تهویه هوا مواد صنعتی مصرف می کردم تا حالم سرکلاس خوب باشد و دستم رو نشود. حتی صاحب کارم هم از اعتیادم خبر نداشت و هر بار که به من می گفت چرا چهره ام زرد و لاغر شده می گفتم مریض شده ام. این موش و گربه بازی من چند سالی ادامه داشت تا این که به خاطر وضعیت بد درسم معلمانم به مادرم شکایت کردند و اعتیادم لو رفت و به ناچار ترک تحصیل کردم. هر چقدر مدیر مدرسه به من اصرار کرد بعد از ترک اعتیادم دوباره به مدرسه برگردم اما من قبول نکردم چون تمام هم و غمم مصرف مواد بود و ذهنم کشش درس و کتاب را نداشت. به خاطر لجبازی و کتک کاری با مادر و برادرم خانه را ترک کردم. شب و روزم را در گرما و سرما در یک اتاق کوچک در کارواش

می گذراندم و خیلی احتیاط می کردم که صاحب کارم متوجه اعتیادم نشود. هزینه موادم را با کار در کارواش جور می کردم و مقداری از دستمزدم را برای بستن دهان خانواده ام هزینه می کردم. مدتی از فریب صاحب کارم گذشت تا این که روزی میچم را گرفت و من را از کارواش بیرون انداخت. جرئت برگشت به خانه را نداشتم چون به خاطر اعتیادم مادر و برادرم من را کتک می زدند برای همین آواره خیابان ها شدم. قیافه ام شکسته شده بود و کسی حاضر نمی شد به من کار بدهد چون همه فکر می کردند دست به سرقت می زهم. به ناچار به سمت

۶۶ به خاطر گدایی کردن حدود ۳۰ بار دستگیر شدم و هر بار بعد از مدتی بستری شدن پاک از کمپ بیرون می آمدم.

چون اطرافیانم آلوده به مواد بودند خیلی دوام نمی آوردم و دوباره به سراغ آن می رفتم

از ترک تحصیل تا ۳۰ بار دستگیری به خاطر تکدی گری

کارنامه سیاه زندگی یک جوان



جمع کردن ضایعات و گدایی رفتم و شب ها را در خانه پدربزرگم در یک خرابه سر می کردم. به خاطر گدایی کردن حدود ۳۰ بار دستگیر شدم و هر بار بعد از مدتی بستری شدن پاک از کمپ بیرون می آمدم.

چون اطرافیانم آلوده به مواد بودند خیلی دوام نمی آوردم و دوباره به سراغ آن می رفتم. به دلیل این که زیاد دستگیر شده بودم برای پنهان ماندن از دید ماموران شهرداری یک گونی ضایعات پشت ام می انداختم و سر چهارراه ها دست به گدایی می زدم. به خاطر مشکل جسمانی و سن و سال کمم مردم زیاد به من کمک می کردند و روزانه گاهی بیش از ۱۰۰ هزار تومان از این راه کسب می کردم. این گونه علاوه بر هزینه موادم، خرج تحصیل و پول توجیبی خواهر کوچک ترم را هم می دادم و برایش لباس و خوراکی می گرفتم تا پیش همکلاسی هایش خجالت زده نشود و سرش پایین نباشد. آن قدر رفتار کارهای ناشایست شدم که حتی خانواده ام از من دوری کردند البته حق هم داشتمند، خودم از رفتارم خسته شده بودم چه برسد به آن ها و توقعی از کسی نداشتم. آخرین بار مثل هر روز سر چهارراه گدایی می کردم که من را دستگیر کردند و به کمپ آوردند. الان نزدیک به دو ماه است که دور از هر دود و سیاهی روزگارم را سپری می کنم. ای کاش همان موقع به حرف معلم و مدیرم گوش می کردم تا وارد دود سیاه چال اعتیاد نشوم.

نگرانی گلستان شهری ها از سرقت های خرد

سارق یا سارقان مدتی است اعمال مجرمانه شان را در گلستان شهر بجنورد افزایش داده اند و هر از گاهی با سرقت از انباری های مجتمع های این شهرک صدای اهالی را در آورده اند. به گزارش خبرنگار ما تعدادی از اهالی گلستان شهر طی تماس با تحریریه روزنامه «خراسان شمالی» با ابراز ناراحتی از افزایش سرقت های خرد در این شهرک، خواستار رسیدگی و برخورد قاطع پلیس با مخلان نظم و امنیت شدند. یکی از ساکنان یک مجتمع مسکونی در این شهرک گفت: چند ماهی است که هر از گاهی اموال اهالی از لوازم خودرو گرفته تا کلید و پرز ساختمان از سوی سارق یا سارقان مورد دستبرد قرار می گیرد اما طی هفته های اخیر با توجه به شروع فصل سرما این موضوع شدت یافته است. وی ادامه داد: یک روز صبح که به پارکینگ رفتم با صحنه عجیب شکسته شدن قفل چند انباری مواجه شدم. وقتی داخل انباری ام را بررسی کردم دیدم لوازم تعمیرگاهم را که مدتی بود به خاطر مشکلاتی جمع کرده بودم و در انباری نگهداری می کردم به سرقت رفته است. بعد از این اتفاق همسایه ها با خبر شدند و زمانی که داخل انباری شان را بررسی کردند متوجه سرقت لوازمی از قبیل موکت و فرش شدند که گویا سارق یا سارقان شبانه با شکستن قفل انباری ها محتویات داخل آن ها را خالی کرده بودند. یکی دیگر از اهالی گلستان شهر گفت: سارقان علاوه بر سرقت از انباری ها به خودروهای پار ک شده در پارکینگ مجتمع ها نیز دستبرد زدند. وی افزود: صبح یک روز وقتی به سراغ خودرویم رفتم دیدم قفل صندوق عقب ماشین ام را شکسته اند و محتویات داخل آن را از قبیل آچار و لاستیک زاپاس به سرقت برده اند. وی ادامه داد: بعد از آن متوجه سرقت لوازم داخل خودروی همسایه ام شدم که سارق یا سارقان با ترفند خاصی با باز کردن در آن لوازشم را به سرقت برده بودند. به گفته تعدادی از اهالی گلستان شهر با توجه به شروع فصل سرما و افزایش بیکاری و ر کود ساخت و ساز سارق یا سارقان و متعاندان گاهی طی روز به اموال مردم دستبرد می زنند و حتی به کلید و پرز پارکینگ مجتمع ها هم رجم نمی کنند که ادامه این وضعیت ساکنان را نگران کرده است.

اخبار

جریمه یک فروشنده لوازم خانگی قاچاق

صدیقی- یک فروشنده لوازم خانگی قاچاق به پرداخت جزای نقدی محکوم شد. مدیر کل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی گفت: در پی گزارش پلیس آگاهی استان مبنی بر کشف دو دستگاه تلویزیون ماهواره در قاچاق به ارزش بیش از ۲۴ میلیون ریال از یک واحد باربری، پرونده در این باره در تعزیرات تشکیل شد. «سیدالموسوی» افزود: پس از بررسی دقیق پرونده در شعب ویژه مبارزه با قاچاق کالا و ارز و احراز تخلف صورت گرفته، متهم علاوه بر ضبط کالا به پرداخت جزای نقدی بیش از ۲۴ میلیون ریال در حق دولت محکوم شد.

دستگیری ۲۳ متعاد متجاهر در شیروان

جانشین فرماندهی انتظامی شیروان از دستگیری ۲۳ متعاد متجاهر در این شهرستان خبر داد. سرهنگ «ضاقلی قندی» با بیان این که ماموران بعد از انجام اقدامات قانونی و قضایی برای اجرای این طرح اقدام کردند، تصریح کرد: ماموران در دو مرحله ۲۳ متعاد پرخطر را از معابر شهر جمع آوری کردند.

قابل توجه

ارائه دهندگان خدمات مجالس ترحیم و بزرگداشت

- * تالارها**
- * مراکز طبخ غذا**
- * پارچه نویسان**
- * حکاکان**
- * فیلمبرداران و عکاسان**
- * ظروف کرایه، ظروف یک بار مصرف**

برای درج آگهی در صفحات روزنامه

با تخفیف ویژه

با شماره های زیر تماس بگیرید:

۳۲۲۴۵۰۰۵ – ۳۲۲۱۲۷۶۰